

سخن سردبیر

علم اطلاعات و دانش‌شناسی:

ریشه در فلسفه و شاخه در علوم اجتماعی دارد.

یکی از مسائل محوری در هر علم تعریف و تعیین جایگاه آن در درختواره علم است. بدون تعریف، گویی با مجسمه‌ای بی سر و یا درختی بی ریشه روبه‌رو هستیم. این مسئله با میان‌رشته‌ای بودن که این روزها به شدت مطرح است هم به حاشیه نمی‌رود زیرا بین رشته‌ای بودن اصل رشته را از بین نمی‌برد (فدایی، ۱۳۸۹). در این زمان و بلکه همه زمان‌ها کلیه رشته‌ها به نوعی میان رشته‌ای هم هستند منتها درجه آنها با هم فرق می‌کند. بعضی بیشتر و بعضی کمتر و این به این دلیل است که همه علوم برای بشر هستند و بشر خود ذو ابعاد است. بعضی رشته‌ها دقت بیشتری را برای اجرا طلب می‌کنند و لذا باید جهات زیادتری را در نظر گرفت.

آنچه مهم است این است که چون و چرا در مباحث علمی و محافل دانشگاهی نماد پویایی و حرکت است. علم با چرایی توأم است و بدون چرا علم به وجود نمی‌آید. به قول شاعر (فدایی، ۱۳۹۴):

گفت علم عالمی باشد ز چه؟ گفتم از حرف الف ب تا به ی!

گفت این را فهمد هر کس، گفتمش لیک با چون و چرا و چه و به

اگر علم اطلاعات و دانش‌شناسی در مجموعه دروس خود با مباحث فلسفی و چستی این رشته مواجه نباشد مصداق آیات فوق خواهد شد. نام‌گذاری جدید، این امر را به شدت تقویت کرده است. بعضی هنوز اصرار بر نام قدیم دارند و اینکه وظیفه این رشته خدماتی است و این به نظر من نادیده گرفتن بخشی از هویت رشته است؛ اگر چه خدمت‌رسانی کار خوبی است.

در مورد علم اطلاعات و دانش‌شناسی مسئله چستی و چرایی به دلیل اهمیتش به شدت در محافل علمی در سطوح گوناگون مطرح بوده است. اما از سوی طرفداران آن، علی‌رغم تلاش گسترده، کمتر نتیجه داده است. شوق به خدمت‌رسانی در قالب مباحث اطلاع‌رسانی و خدمات مرجع، آنها را از جستجو در چستی اطلاعات و دانش بازداشته و رشته را به ابزاری صرف در خدمت داوطلبان علم و نه جامعه علمی و یا سیاست‌گذاران آن تقلیل داده است. در عین حال

علاقه این رشته به معرفت‌شناسی کم نیست. خود اطلاعات و دانش با علم و آگاهی همپوشانی و یا دست کم مجاورت دارد.

به هنگام تغییر نام رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به علم اطلاعات و دانش‌شناسی قطعاً تصمیم‌گیرندگان چه به‌طور صریح و چه ضمنی به اهمیت علم و چیستی آن و نیز توانمندی این رشته برای خودنمایی در عرصه پژوهش و اجرا نظر داشته‌اند. تعبیر علم اطلاعات و دانش‌شناسی دارای بار معنایی بسیار گسترده‌ای است که اگر به آن توجه نشود در آینده‌ای نه چندان دور موجب سرخوردگی دانشجویان و استادان خواهد شد. وقتی در سیما در بهمن ماه جاری (۹۷) از علوم شناختی سخن به میان آمد، به اغلب رشته‌های مربوطه اشاره شد ولی نامی از رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی برده نشد، برای من نوعی چالش بود!

در چیستی اطلاعات، طرح سلسله‌مراتبی (زینس، ۲۰۰۷)، خوشه‌ای (گایسلر، ۱۳۹۳) و یا اشکال دیگر (تردینیک، ۱۳۹۵، فصل اول) بسیار مهم است که ما بدانیم با چه سرو کار داریم. دانش آموخته این رشته باید بداند اطلاعات و دانش چیست. آنها نمی‌توانند فقط نامی را یدک بکشند که اگر از آنها در باره اطلاعات و دانش سؤال کنند اظهار بی‌اطلاعی کنند. اگر بگویند تحقیق در چیستی اطلاعات تخصص ما نیست آنگاه خواهند پرسید پس تخصص چه کسی است؟ فلسفه و به‌ویژه معرفت‌شناسی با این نگاهی که علم اطلاعات و دانش‌شناسی به آن دارد به اطلاعات نمی‌پردازد؛ و اگر بگوئیم تخصص ما هست آنگاه باید حرفی برای گفتن داشته باشیم. البته باید در این مورد کار کرد و تخصص‌های جانبی را به‌واقع شناخت و برایش برنامه‌ریزی نمود. اما بدون داشتن هویت چگونه می‌توان ایفای خدمت کرد؟ حتی در امور اجتماعی تا هدف روشن نباشد و معلوم نباشد چه کسی برای چه کسی و با چه منطقی دارد خدمت‌رسانی می‌کند احساس ناخوشایندی به انسان دست می‌دهد.

علم اطلاعات و دانش‌شناسی در علوم اجتماعی هم نقش دارد؛ زیرا سر و کارش با کاربر است و اینجا علوم اجتماعی به معنای وسیع کلمه که علوم اقتصادی و فرهنگی را هم در بر می‌گیرد حضور دارد. کاربر می‌خواهد بداند که چگونه می‌تواند بهترین اطلاعات را با سریع‌ترین وسیله و مقرون‌ترین صرفه دریافت کند تا در محیط علمی و اجتماعی برای وی مفید باشد و در درستی کمتری برایش تولید کند. البته ابعاد دیگری هم پیدا می‌کند که در این رشته در حاشیه

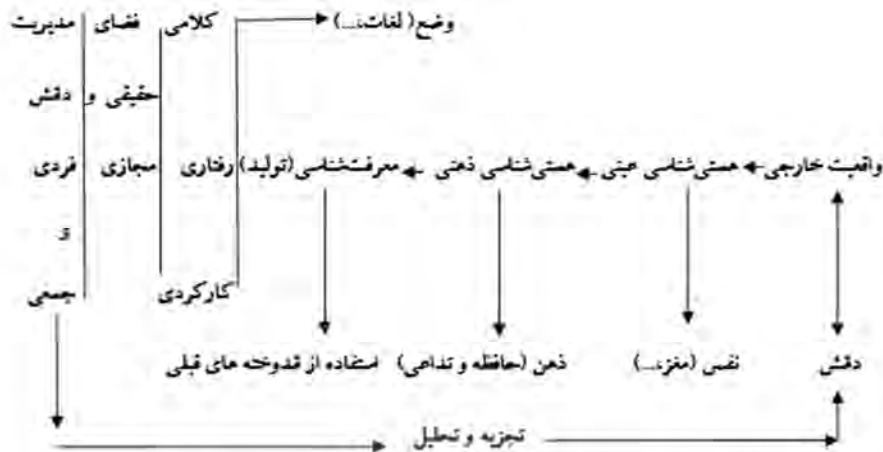
است که همانند همه رشته‌ها باید متخصص علم اطلاعات به همه جوانب بنگرد و کتابدار هم همین‌طور می‌خواهد با جامعه ارتباط برقرار کند و بهترین خدمت را عرضه کند.

آنچه به نظر مغفول مانده است این است که فعالیت این رشته و دانش‌آموختگان آن را بیشتر فردی به حساب می‌آورند، یعنی خدمت‌رسانی به فرد تا جایی که وی رضایت داشته باشد که البته امر درستی است؛ اما از خدمت‌رسانی اجتماعی و عمومی کمتر بحث می‌شود. گویی کتابدار در تنظیم و تمثیت امور اطلاعاتی در سطح کلان نقشی ندارد و برای خود هم نقشی نمی‌بیند. اینکه وضع اطلاع و اطلاع‌رسانی در جامعه آشفته است و شفافیت و عدم شفافیت اطلاعات مسئله روز است، کتابداران خود را در این امور وارد نمی‌کنند که یا نمی‌توانند و یا می‌توانند اما بیم دارند و یا هر چه تلاش می‌کنند کسی به آنها گوش نمی‌دهد. دانش پژوهان علوم رایانه و ارتباطات گوی سبقت را از این رشته ربوده‌اند و این رشته هر چه فریاد می‌زند صدایش به جایی نمی‌رسد.

علم اطلاعات و دانش‌شناسی همان کاری را انجام می‌دهد که چهل، پنجاه سال قبل انجام می‌داد منتها در سطحی وسیع‌تر. ماهیت کار عوض نشده است. مسائلی از قبیل آرشیو، علم‌سنجی، سندشناسی، مبانی معرفتی، اقتصاد و مدیریت اطلاعات و ترسیم نقشه‌های علمی با استفاده از نمایه‌سازی‌ها از مواردی است که می‌تواند به خدمات اجتماعی بپردازد.

در بعضی محافل علمی وقتی این رشته خوب تعریف می‌شود مورد توجه و استقبال قرار می‌گیرد ولی دانش‌آموختگان این رشته گویی خیلی حال تعامل با مسئولان را ندارند؛ به‌ویژه آن‌که در این صورت این گروه را در کار تصمیم‌گیری مشارکت نمی‌دهند. تخصص را هم باید تعریف کرد و این را من در سرمقاله شماره‌بهار ۱۳۹۴ یادآور شده‌ام.

من در تحلیل کتاب «دانش و نظام‌های دانش؛ بهره‌گیری از شگفتی‌های ذهن» نوشته آیزلایر گایسلر و ترجمه دکتر مرتضی کوکی ضمن توجه به جنبه نوآورانه آن در بحث اطلاعات و دانش پیشنهاد جدیدی در مورد هویت اطلاعات و دانش داده‌ام که با آنچه در سرمقاله شماره تابستان ۱۳۹۱ نوشته‌ام متناقض نیست و آن این‌که در واقعیت خارجی به‌جای آن‌که به‌طور مکانیکی با پدیده‌ها برخورد کنیم می‌توان خوشه‌ای و مجموعه‌ای با پدیده‌ها برخورد کرد و حق هم همین است. ما در عالم واقع هرگز به‌صورت انتزاعی اشیاء را نمی‌بینیم و یا ادراک نمی‌کنیم بلکه هر چیزی را در کنار مجموعه‌ای از چیزها می‌بینیم و یا به قول سوسور و پیرس، نگاه سلبی به پدیده‌ها بیان می‌کند که اگر به‌طور مثال می‌گوئیم پدیده‌ای مثلاً سنگ است به این معنا است که هزاران چیز دیگر نیست (تریدینیک، ۱۳۹۵) و این به معنی مجموعه‌ای دیدن و ادراک کردن و نه به صورت مکانیکی دیدن پدیده‌ها است. نمودار زیر بیانگر بیشتر در این موضوع است:



نمودار ۱. مدل فدائی: ساختار از دانش تا مدیریت دانش

همانطور که در نمودار بالا ملاحظه می‌شود ما با واقعیت خارجی به صورت مجموعه‌ای که خود دانش تلقی می‌شود برخورد می‌کنیم و با فعالیت مغز، ادراک هستی‌شناختی عینی و بلافاصله ذهنی ما تشکیل می‌شود و در حافظه قرار می‌گیرد. از این پس اگر برای اولین بار به ادراک بیرونی نمی‌پردازیم، ناگزیر از استفاده از اندوخته‌های تاریخی، فرهنگی برای استفاده مجدد خود و یا انتقال به دیگران هستیم. در معرفت‌شناسی ما از معلومات خود استفاده کرده و در صورت لزوم آن را مطابق با میل خود تفسیر می‌کنیم. اگر غرض هم در آن لحاظ شود تفسیر، وضعیت بدتری به خود خواهد گرفت. در این جا به وضع لغات و اصطلاحات و یا تولید نمایه می‌پردازیم و اگر دقت لازم در این انتخاب‌ها صورت گیرد کار بازیابی آسان‌تر می‌شود و خدمت‌رسانی که بخش دیگری از وظائف این رشته است بهتر صورت می‌گیرد و در غیر این صورت با مشکل بازیابی مواجه می‌شویم؛ کما اینکه در حال حاضر چنین چیزی نه تنها در سطح بازیابی فردی بلکه در سطح اجتماعی نیز بروز کرده و مصیبت مدیریتی در همه جا مشهود است. اینکه دائماً بحث شفافیت مطرح می‌شود و مشکل حل نمی‌شود دو منشأ دارد: یکی نبودن عزم بر این کار و این یعنی صاحبان نفع نمی‌خواهند اطلاعات و آمار شفاف و روشن باشد، تا بیشتر بتوانند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و دیگری، جهالت و یا غفلت و ندانم‌کاری است که کار را به دست افراد ناکارآمد می‌سپارند و آنها با کاهلی و اشاعه ندادن اطلاعات مشکل عدم شفافیت را حل نمی‌کنند. من در بحثی با عنوان سامانه‌ای برای سامانه‌ها این مسئله را باز نموده‌ام (خبرآنلاین، ۱۴ آذر ۱۳۹۷).

منابع

- تردینیک، لوک (۱۳۹۵). *بسترهای اطلاعات دیجیتال*. ترجمه علی فارسی نژاد. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ چاپار.
- فدایی، غلامرضا (۱۴ آذر ۱۳۹۷). سامانه‌ای برای سامانه‌ها. خبرآنلاین، بازیابی در تاریخ ۲۲ اسفند ۹۷ از: <https://www.khabaronline.ir/service/weblog/ghfadaie>
- فدایی، غلامرضا (۱۳۹۷). سخن سردبیر: شورای نقد متون و کتب علوم انسانی و نقد نام کنگره متخصصان علوم اطلاعات. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۴ (۳): ۳۵۷-۳۶۱.
- فدایی، غلامرضا (۱۳۹۴). سخن سردبیر: این حوزه برای بقا به تخصص نیاز دارد. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۱ (۱): ۷-۱۱.
- فدایی، غلامرضا (۱۳۹۱). سخن سردبیر: از کتابداری و اطلاع‌رسانی تا علم اطلاعات و دانش‌شناسی. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۸ (۲): ۱۹۱-۱۹۶.
- فدایی، غلامرضا (۱۳۸۹). کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ رشته یا میان رشته؟ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۲ (۲): ۱-۱۸.
- فدایی، محمد اسماعیل (۱۳۹۳). کلیات دیوان فدایی. تصحیح غلامرضا فدایی. تهران: اندیشه رسا.
- گایسلر، ایلازیر (۱۳۹۳). *دانش و نظام‌های دانش؛ فراگیری از شگفتی‌های ذهن*. ترجمه مرتضی کوبی. همدان: سپهر دانش.